

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حقوق اساسی تطبیقی

Comparative Constitutional Law

علی بهادری جهرمی
عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس

علی آریان نژاد



پژوهشده شورای نگهبان

سرشناسه: بهادری جهرمی، علی، ۱۳۶۴-، آریان نژاد، علی، ۱۳۷۷-
 عنوان و نام پدیدآور: حقوق اساسی تطبیقی/ علی بهادری جهرمی، علی آریان نژاد؛ با دیباچه عباسعلی
 کدخدایی؛ ناظران علمی علی بهادری جهرمی، علی فتاحی زفرقندی.
 مشخصات نشر: تهران: شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۴۰۴.
 مشخصات ظاهری: [۱۴]، ۲۴۴ ص.: جدول، نمودار.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۰۶۸-۶۰-۵
 موضوع: حقوق تطبیقی، Comparative law
 حقوق اساسی -- مطالعات تطبیقی، Constitutional law -- Comparative studies
 حقوق اساسی، Constitutional law
 شناسه افزوده: کدخدایی، عباسعلی، ۱۳۴۰- / Abbas-ali, Kadkhodaei
 شناسه افزوده: بهادری جهرمی، علی، ۱۳۶۴-
 شناسه افزوده: فتاحی زفرقندی، علی، ۱۳۶۹-
 شناسه افزوده: شورای نگهبان. پژوهشکده شورای نگهبان
 رده بندی کنگره: K۵۵۹
 رده بندی دیویی: ۲/۳۴۰
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۱۷۸۶۷۲
 اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

نویسندگان:

دکتر علی بهادری جهرمی (عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس)

علی آریان نژاد

با دیباچه دکتر عباسعلی کدخدایی

(عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)

ناظر علمی: دکتر علی فتاحی زفرقندی

ناشر: پژوهشکده شورای نگهبان

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۴۰۴

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۰۶۸-۶۰-۵

نشانی: خیابان شهید بهشتی^(ره)، خیابان سرافراز، کوچه پنجم، پلاک ۱۱

nashr-rc.ir

ccri.ac.ir

شماره تماس: ۰۲۱-۸۸۷۵۰۰۷۰

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول	۵
۱. کلیات حقوق اساسی تطبیقی	۶
۱-۱. تعریف حقوق اساسی تطبیقی	۶
۱-۱-۱. مفهوم حقوق اساسی	۷
۱-۱-۲. مفهوم حقوق تطبیقی	۱۰
۱-۱-۳. مفهوم حقوق اساسی تطبیقی	۱۲
۱-۲. اهمیت حقوق اساسی تطبیقی	۱۳
۱-۲-۱. از حیث نظری	۱۳
۱-۲-۲. از حیث عملی	۱۶
۱-۳. منابع حقوق اساسی تطبیقی	۱۸
۱-۳-۱. قانون اساسی	۲۰
۱-۳-۲. قوانین سازمانی	۲۲
۱-۳-۳. قوانین عادی	۲۳
۱-۳-۴. مقررات اجرایی	۲۳
۱-۳-۵. قواعد حقوق بین‌الملل	۲۴
۱-۳-۶. تفاسیر رسمی هنجارهای الزامی حقوق اساسی	۲۵
۱-۳-۷. عرف‌های اساسی	۲۶
۱-۳-۸. رویه‌های اساسی	۲۷
۱-۳-۹. فرامین رئیس کشور	۲۸
۱-۳-۱۰. دیدگاه‌ها و اندیشه‌های صاحب‌نظران حقوق اساسی (دکترین)	۲۹
۱-۳-۱۱. رویه قضایی	۳۰
۱-۴. بایسته‌های مطالعه حقوق اساسی تطبیقی	۳۲
۱-۴-۱. قابل مقایسه و تطبیق بودن نظام‌های حقوقی	۳۳

۱-۴-۲.	قابل مقایسه و تطبیق بودن نهادها و موضوعات انتخابی	۳۳
۱-۴-۳.	توجه به مبانی نظام حقوقی	۳۳
۱-۴-۴.	توجه به اهداف نظام حقوقی	۳۴
۱-۴-۵.	نگرش نظام‌مند به پدیده‌های مورد مطالعه	۳۴
۱-۴-۶.	بی‌طرفی و ذهنیت خالی	۳۵
۱-۴-۷.	توجه به زمینه‌های تاریخی و فرهنگی	۳۶
۱-۴-۸.	استفاده از منابع به روز و معتبر	۳۷
۱-۴-۹.	توجه به شرایط محیطی	۳۸
۱-۴-۱۰.	توجه به کارکردها به جای مقایسه کلمات و عبارات	۳۹
۱-۵.	مراحل مطالعه حقوق اساسی تطبیقی	۴۰
۴۳	فصل دوم	
۲.	مطالعه تطبیقی مبانی نظام‌های سیاسی	۴۴
۲-۱.	اصول و ویژگی‌های دموکراسی (مدرن)	۴۷
۲-۲.	اصول و ویژگی‌های مردم‌سالاری دینی	۵۳
۶۱	فصل سوم	
۳.	مطالعه تطبیقی ساختار کلان حاکمیت در نظام‌های سیاسی	۶۲
۳-۱.	دولت-کشورهای بسیط یا تک‌ساخت	۶۴
۳-۲.	دولت-کشورهای مرکب یا چندپارچه	۶۸
۳-۳.	الگوهای کلان ساختار حکومت‌های محلی	۷۲
الف)	الگوی ریاستی	۷۲
ب)	الگوی هیئت‌مدیره‌ای	۷۲
پ)	الگوی رهبری	۷۳
ت)	الگوی کمیسیونی	۷۳
۷۵	فصل چهارم	
۴.	نظام‌های اقتدارگرا مبتنی بر اختلاط قوا	۷۶
۴-۱.	ویژگی‌های نظام‌های اقتدارگرا	۷۶
۴-۲.	انواع نظام‌های اقتدارگرا	۷۸

فصل پنجم ----- ۸۳

۵. تفکیک قوا ----- ۸۴

۱-۵. مفهوم ----- ۸۵

۲-۵. مبانی ----- ۸۶

۳-۵. انواع ----- ۸۸

۱-۳-۵. عمودی ----- ۸۸

۲-۳-۵. افقی ----- ۸۹

۱-۲-۳-۵. مطلق ----- ۹۰

۲-۲-۳-۵. نسبی ----- ۹۲

الف) نظام پارلمانی ----- ۹۲

۱. نظام پارلمانی در کشورهای دو حزبی ----- ۹۳

۲. نظام پارلمانی در کشورهای چند حزبی ----- ۹۵

ب) نیمه ریاستی-نیمه پارلمانی ----- ۹۵

۴-۵. نقد و بررسی ----- ۹۷

۱-۴-۵. نقائص ایده تفکیک قوا ----- ۹۷

الف) تغایر با اقتضائات حاکمیت ----- ۹۸

ب) عدم امکان تعیین دقیق حوزه‌های کارکردی قوا ----- ۹۸

پ) امکان تمرکز قوا ----- ۹۹

۲-۴-۵. تطبیق ایده تفکیک قوا بر نظام‌های مبتنی بر مردم‌سالاری دینی ----- ۹۹

فصل ششم ----- ۱۰۳

۶. قوه مؤسس ----- ۱۰۴

۱-۶. مفهوم ----- ۱۰۵

۲-۶. مبانی ----- ۱۰۶

۳-۶. انواع ----- ۱۰۹

۱-۳-۶. از حیث کارکرد ----- ۱۱۰

۱-۱-۳-۶. قوه مؤسس اولیه (اصلی) ----- ۱۱۰

۲-۱-۳-۶. قوه مؤسس ثانویه (فرعی) ----- ۱۱۱

الف) محدودیت‌های موضوعی	۱۱۲
ب) محدودیت‌های زمانی	۱۱۲
پ) محدودیت‌های صوری	۱۱۳
۶-۳-۲. از حیث ماهیت	۱۱۴
۶-۳-۲-۱. قوه مؤسس اقتدارگرا	۱۱۵
الف) فرمان مشروطیت	۱۱۵
ب) همه‌پرسی تشریفاتی	۱۱۶
پ) نظرخواهی از مردم	۱۱۶
۶-۳-۲. قوه مؤسس نیمه اقتداری - نیمه مردمی	۱۱۷
۶-۳-۲-۳. قوه مؤسس مردمی	۱۱۸
فصل هفتم	۱۲۱
۷. قوه مقننه	۱۲۲
۷-۱. پیشینه قانون‌گذاری	۱۲۵
۷-۲. ساختار	۱۲۹
۷-۲-۱. ترکیب کلی	۱۲۹
۷-۲-۲. سازمان داخلی	۱۴۱
۷-۲-۲-۱. نهادهای متشکل از نمایندگان ملت	۱۴۱
الف) رئیس و هیئت رئیسه	۱۴۱
ب) کمیسیون‌ها	۱۴۵
پ) گروه‌های دوستی پارلمانی	۱۴۷
ت) هیئت‌های پارلمانی در نهادهای میان‌پارلمانی	۱۴۸
۷-۲-۲. نهادهای وابسته	۱۵۱
الف) مراکز پژوهشی پارلمانی	۱۵۱
ب) آمبودزمان پارلمانی	۱۵۲
پ) نهاد عالی حسابرسی	۱۵۴
ت) کتابخانه پارلمانی	۱۵۵
ث) مراکز نوآوری پارلمانی	۱۵۷

۱۵۹	۳-۷. صلاحیت
۱۵۹	۱-۳-۷. صلاحیت تقنینی
۱۵۹	۱-۳-۷. ۱-۱. حدود
۱۶۲	۲-۳-۷. ۲. فرآیند اعمال
۱۶۲	الف) نیازسنجی تقنینی
۱۶۲	ب) ابتکار
۱۶۴	پ) بررسی و شور
۱۶۶	ت) رأی گیری
۱۶۹	ث) توشیح
۱۷۱	۲-۳-۷. ۲. صلاحیت نظارتی
۱۷۱	۱-۲-۳-۷. ۱. نظارت سیاسی قوه مقننه
۱۷۲	الف) تأیید انتصابات مقامات عالی
۱۷۳	ب) سؤال
۱۷۵	پ) استیضاح
۱۷۷	ت) تذکر
۱۷۷	ث) تحقیق و تفحص
۱۷۹	ج) بازرسی پارلمانی
۱۸۰	۲-۳-۷. ۲-۲. نظارت حقوقی قوه مقننه
۱۸۰	الف) نظارت تقنینی
۱۸۱	ب) نظارت قضایی
۱۸۲	۳-۲-۳-۷. ۳. نظارت مالی قوه مقننه
۱۸۵	فصل هشتم
۱۸۶	۸. قوه مجریه
۱۸۸	۱-۸. ۱. ساختار
۱۸۸	۱-۱-۸. ۱. ترکیب کلی
۱۸۹	۱-۱-۸. ۱. الگوها
۱۸۹	الف) قوه مجریه تک رکنی (واحد)

ب) قوه مجریه دورکنی (متکثر)	۱۹۰
۸-۱-۲. نحوه تعیین ترکیب	۱۹۲
الف) نحوه انتصاب رئیس کشور	۱۹۲
ب) نحوه تشکیل دولت	۱۹۲
۸-۱-۲. سازمان داخلی	۱۹۳
۸-۱-۲-۱. رئیس دولت	۱۹۴
۸-۱-۲-۲. هیئت وزیران (کابینه)	۱۹۴
۸-۱-۲-۳. وزیران	۱۹۷
۸-۲. صلاحیت	۲۰۰
۸-۲-۱. صلاحیت سیاست‌گذاری	۲۰۰
۸-۲-۲. صلاحیت قانون‌گذاری	۲۰۱
۸-۲-۳. صلاحیت اجرای قوانین	۲۰۲
۸-۲-۴. صلاحیت‌های استثنایی در وضعیت‌های اضطراری	۲۰۳
۸-۲-۵. صلاحیت پاسداری از قانون اساسی	۲۰۴
۸-۲-۶. صلاحیت‌های شبه‌قضایی	۲۰۵
فصل نهم	۲۰۹
۹. قوه قضائیه	۲۱۰
۹-۱. ساختار	۲۱۳
۹-۱-۱. ترکیب کلی	۲۱۳
۹-۱-۱-۱. مدل تک‌بافت یا متمرکز	۲۱۴
۹-۱-۱-۲. مدل غیرمتمرکز	۲۱۴
۹-۱-۱-۳. مدل مدیریتی خودمختار	۲۱۵
۹-۱-۲. سازمان داخلی	۲۱۵
۹-۱-۲-۱. دادسرا	۲۱۶
۹-۱-۲-۲. دادگاه	۲۱۷
الف) مراجع سیاسی	۲۱۸
ب) مراجع اداری	۲۱۹

۲۱۹	پ) مراجع دستورنامه‌ای
۲۲۳	۹-۲. صلاحیت
۲۲۳	۹-۲-۱. صلاحیت دادرسی
۲۲۴	۹-۲-۲. صلاحیت نظارت بر اجرای قوانین
۲۲۴	۹-۲-۳. صلاحیت صدور آرا وحدت رویه
۲۲۵	۹-۲-۴. صلاحیت توسعه و اصلاح قوانین
۲۲۵	۹-۲-۵. صلاحیت پیشگیری از جرم
۲۲۸	فهرست منابع
۲۲۸	منابع فارسی
۲۲۸	کتب
۲۳۴	ب- مقالات
۲۴۶	پ- پایان‌نامه‌ها
۲۴۷	منابع عربی
۲۴۸	سایر منابع خارجی

دیباچه

آزادی و عدالت دو آرمان قدیمی بشریت بوده که بر سر آن جانفشانی‌های زیادی شده و قربانیان بسیاری در راه نیل به آن تقدیم شده است. آزادی، جان‌مایه انسان بودن است و بدون این عنصر، تعالی انسان متصور نخواهد بود. متاع آزادی چنان ارزشمند بوده که جان انسان، بهای آن قرار گرفته است و حتی اگر این آزادی منجر به سفک دما گردد، باز ترجیح خواهد داشت و هم، از این‌رو است که وقتی خلقت انسان آزاد، مورد اعتراض فرشتگان واقع شد، پاسخی اعجاب‌انگیز شنیدند، که آنچه می‌دانیم شما نمی‌دانید، او باید آزاد باشد تا سره از ناسره شناخته شود. هم او که می‌تواند راه هدایت در پیش گیرد و یا راه ضلالت، و از این نسق ملالی نیست، چون انتخاب کردن، نتیجه آزادی است، حتی اگر پایانی ناخوش داشته باشد. آزادی آن‌قدر گران‌سنگ است که به بهای انحراف انسانی از مسیر هدایت نیز پذیرفته شده و این، همان وجه ممتاز انسان از فرشتگان است. ارزش انسان به فرشته شدن نیست به انسان بودن است و انسان یعنی آزادی. آزاد از خود و آزاد از دیگران، هر چند سرانجام خوشی نداشته باشد.

و اما چگونه آن را وزن‌کشی کنیم و با چه ابزاری آن را بسنجیم؟ آیا آزادی محدود

به حدودی است؟ و اگر حدود و ثغور بر آن باید رسم کرد، ملاک و میزان آن چیست؟ برخی گفته‌اند که حدود آزادی، آزادی دیگران است، حال حدود آزادی دیگران چگونه به دست می‌آید، آیا مستلزم دور نخواهیم بود؟ به نظر می‌رسد که عدالت، میزان و ابزار سنجه این آزادی است. اگر آزادی باید از آفات دور بماند، معیار اصلی آن، فقط عدالت است نه آن‌گونه که گفته شده است محدوده آزادی دیگران. آزادی با هیچ ابزاری نمی‌تواند محدود شود مگر با عدالت. اگر آزادی با عدالت همراه شود، از خطا مصون خواهد بود و این آزادی موعود است، آزادی سازنده که هم انسان را رشد می‌دهد و هم دیگران را ترغیب به حرکت در این مسیر خواهد کرد. تنها با عدالت است که می‌توان از خروج آزادی از مسیر سازنده جلوگیری کرد و از تعدی به حقوق دیگران مانع شد. ترازوی عدالت است که آزادی را می‌تواند مهمیز زند و آن را در جای خود ارزشمند نماید، همان آزادی که لازمه حرکت رو به رشد و تعالی انسان است. انسان بدون آزادی نمی‌تواند به سوی بی‌نهایت سرنوشت رو به تکامل خود طی مسیر نماید و آنچه او را مصون از انحراف می‌نماید، همانا عدالت است. عدالت می‌تواند آفات احتمالی آزادی را بر طرف کند و از آن، عنصری پویا در تکامل انسان بسازد.

تنظیم‌گری آزادی با عدالت، بنیان حقوق اساسی است که قدرت، حقوق شهروندان و مشروعیت نهادهای حاکمیتی و عملکرد آنها را رصد کرده و با خلق و بازیابی اصول و قواعد مربوط تلاش می‌کند آزادی عدالت‌محور را حتی‌الامکان تأمین کند.

مبتنی بر این گزاره، حقوق اساسی، به‌عنوان شالوده‌ای که ساختار قدرت، حقوق شهروندان و روابط نهادهای حکومتی را تنظیم می‌کند، همواره در کانون توجه اندیشمندان و نظام‌های سیاسی بوده است. این شاخه از حقوق، تنها به قواعد مدوّن و اصول صوری محدود نمی‌شود، بلکه بازتابی از فلسفه سیاسی، ارزش‌های اجتماعی و توازن قوا در هر جامعه است. در دنیای امروز که پیچیدگی‌های حکمرانی و مطالبات حقوقی شهروندان به‌سرعت در حال تحول است، فهم حقوق اساسی به‌تنهایی کافی نیست؛ بلکه این درک تطبیقی نظام‌های سیاسی است که می‌تواند پنجره‌ای به سوی راه‌حل‌های نوین بگشاید. از این‌رو، امروزه حقوق اساسی تطبیقی، صرفاً یک حوزه مطالعاتی مکمل نیست، بلکه به ضرورتی روش‌شناختی بدل شده است. این رشته با واکاوی تشابهات و تفاوت‌های

نظام‌های اساسی، می‌آموزد که چگونه ملت‌ها با وجود تنوع فرهنگی و تاریخی، به چالش‌های مشترکی مانند حفظ آزادی‌های فردی، تحدید قدرت دولت یا تضمین عدالت اجتماعی پاسخ داده‌اند.

از طرفی، با گسترش انتقال پدیده‌های سیاسی از یک نظام به نظامی دیگر و به تبع ایجاد پیوند میان آنها، فهم دقیق و کاربردی حقوق اساسی بدون توجه به این انتقال‌ها غیرممکن است؛ چراکه امروزه علاوه بر هنجارهای حقوق بین‌الملل، نظام‌های سیاسی، بیش از پیش تحت تأثیر هنجارهای حقوق خارجی واقع شده‌اند. البته ایجاد چنین پیوندی در قالب‌های مختلفی شامل انتقال کلی یا جزئی یک پدیده، جایگزینی یک پدیده، استفاده از یک پدیده برای توجیه پدیده داخلی و استفاده نادرست از یک پدیده خارجی امکان بروز دارد، که صرفاً از رهگذر حقوق اساسی تطبیقی قابل فهم است و از این طریق می‌تواند مورد ارزیابی قرار گیرد که تا چه حد این انتقال به درستی صورت گرفته و پدیده وارد شده به چه میزان با نظام مقصد سازگار است و فلسفه وجودی آن را تأمین می‌کند. پدیده‌ای که می‌توان آن را پیوند اساسی نامید.

در این راستا، آشنایی با حقوق اساسی تطبیقی که ضرورتی انکارناپذیر برای متعلمین دانش حقوق عمومی و متصدیان حکمرانی است، در گرو تسلط به روش مطالعه تطبیقی حقوق اساسی و بهره‌برداری از این روش در مطالعه پدیده‌های سیاسی است، که کتاب حاضر با درک این ضرورت، سعی نموده ضمن آموزش روش حقوق اساسی تطبیقی، با نگرشی نظام‌مند این روش را به کار بندد.

رویکرد نویسنده در این کتاب، ترکیبی از سه سطح تحلیل شامل مطالعه صوری نهادهای سیاسی (سطح نهادی)، بررسی عملکرد آنها در بسترهای مختلف (سطح کارکردی) و واکاوی مبانی فلسفی و تاریخی شکل‌گیری این نهادها (سطح مبنایی) است که چهارچوبی نوین برای فهم پویایی نظام‌های حقوقی ارائه می‌دهد.

امید آنکه این کتاب خلأ موجود در متون آموزشی را برطرف کند، علاوه اینکه با ارائه چهارچوب‌های روش‌مند برای مقایسه، دانشجو را از حالت منفعل به پژوهشگری فعال تبدیل می‌کند. این دستاورد علمی، هم برای دانشجویان حقوق عمومی و هم برای پژوهشگران عرصه‌های سیاسی و حکمرانی سودمند خواهد بود. از مؤلف گرامی و

ناظرین محترم که این گام بلند را در اعتلای آموزش حقوق اساسی برداشته‌اند، صمیمانه
تقدیر می‌کنم.

عباسعلی کدخدایی

مقدمه

حقوق اساسی تطبیقی، به عنوان یکی از دروس مهم در مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی، بر آن است تا مطالعه‌ای تطبیقی از نظام‌های حقوق اساسی به دانشجویان ارائه دهد. با این حال، در بسیاری از آثار تألیفی که تاکنون تحت این عنوان به چاپ رسیده‌اند، کمتر به روش تطبیقی توجه شده و بیشتر به توصیف و بررسی جداگانه‌ی نظام‌های حقوق اساسی کشورهای مختلف پرداخته‌اند، بی‌آنکه این نظام‌ها را در کنار یکدیگر قرار داده و به تحلیل وجوه تشابه و تفاوت آنها اقدام نمایند. این رویکرد، هرچند ممکن است اطلاعاتی درباره حقوق اساسی سایر کشورها ارائه دهد، اما روح اصلی حقوق تطبیقی که همانا مقایسه نظام‌ها و کشف اصول مشترک یا اختلافات بنیادین میان آنها است را نادیده می‌گیرد.

با تغییر برنامه درسی مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی در تیرماه ۱۴۰۳، اگرچه این درس که پیش از این به عنوان یک درس الزامی در سه واحد تعریف شده بود، به یک درس اختیاری غیرمشترک در دو واحد تقلیل یافت که از این جهت مورد انتقاد است، اما بر نگرش فوق مبنی بر محوریت روش تطبیقی در مطالعه این درس تأکید بیشتری شد، به نحوی که این نگرش اثر خود را در طراحی سرفصل‌های این درس به

جای نهاده است.

کم توجهی به جایگاه حقوق تطبیقی در آموزش حقوق عمومی و همچنین خلأ موجود در نگارش تألیفی منطبق با اهداف این درس که پس از بازنگری در برنامه درسی رشته حقوق عمومی بیش از پیش هویدا شده است، نویسنده را بر آن داشت تا طرحی نو دراندازد. با این رویکرد، در طراحی مباحث اثر حاضر و در جریان نگارش آن، دو اصل همواره مورد توجه بوده است: نخست، تأمین دقیق و کامل اهداف درس حقوق اساسی تطبیقی به گونه‌ای که مفاهیم و روش‌های تطبیقی به درستی به دانشجویان انتقال یابد و دوم، شناسایی و ارائه معلومات ضروری و کاربردی در حوزه حقوق اساسی تطبیقی به شکلی که متن نه تنها از نظر محتوایی غنی باشد، بلکه به صورت آموزشی و گام به گام تنظیم شده تا دانشجویان بتوانند به راحتی با آن ارتباط برقرار کرده و از آن بهره کامل را ببرند. این دو نکته، به عنوان چراغ‌های راهنما، مسیر نگارش این اثر را روشن کرده‌اند تا اثری پدید آید که هم نیازهای علمی دانشجویان را برطرف کند و هم به عنوان ابزاری کارآمد در فرآیند آموزش حقوق اساسی تطبیقی عمل نماید. به این ترتیب دانشجویان می‌توانند با مطالعه این متن، نه تنها با مفاهیم بنیادین حقوق اساسی تطبیقی آشنا شوند، بلکه توانایی تحلیل و مقایسه نظام‌های حقوقی مختلف را نیز به دست آورند.

اثر حاضر در نه فصل به گونه‌ای تنظیم شده است که دانشجویان را به تدریج و با روشی نظام‌مند به درک عمیق‌تری از حقوق اساسی تطبیقی رهنمون سازد. در ابتدا، دانشجویان با مفهوم حقوق اساسی تطبیقی آشنا می‌شوند تا درکی روشن از موضوع این درس به دست آورند. سپس اهمیت مطالعه حقوق اساسی تطبیقی تبیین می‌شود تا با انگیزه لازم و نگرشی صحیح به مباحث این درس پردازند. در ادامه، منابع حقوق اساسی تطبیقی بررسی می‌شوند تا با ابزارهای لازم برای پژوهش تطبیقی آشنا شوند. پس از آن، بایسته‌ها و مراحل مطالعه حقوق اساسی تطبیقی به تفصیل تحلیل می‌شود تا بتوانند به صورت علمی و نظام‌مند به مقایسه نظام‌های حقوقی پردازند.

پس از آشنایی با کلیات حقوق اساسی تطبیقی و پیش از ورود به تحلیل ساختار حکومت‌ها، مبانی نظام‌های حقوقی معاصر بررسی می‌شود، چراکه این مبانی به عنوان مهم‌ترین عامل در شکل‌دهی به ساختارهای حکومتی شناخته می‌شوند. سپس ساختارهای

کلان حاکمیت در نظام‌های سیاسی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. پس از آن، ساختار حکومت در نظام‌های مختلف بررسی می‌شود که بدین منظور از آنجا که امروزه شمای کلی حکومت‌ها بر اساس تفکیک قوا طراحی می‌شود، ابتدا باید این مفهوم به صورت تطبیقی مطالعه شود. اما پیش از تحلیل تفکیک قوا، از آنجا که برخی نظام‌های سیاسی تفکیک قوا را مورد پذیرش قرار نداده و در حقیقت، قوا در آن مختلط هستند، ابتدا این نظام‌ها مطالعه می‌شود.

در نهایت، مفهوم تفکیک قوا به صورت تطبیقی تحلیل می‌شود تا دانشجویان با الگوهای مختلف تفکیک قوا در نظام‌های سیاسی آشنا شوند. سپس، هر یک از قوای حکومتی شامل قوه مؤسس، قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه به صورت تطبیقی بررسی می‌شوند تا دانشجویان بتوانند نقش و عملکرد هر قوه را در نظام‌های مختلف حقوقی مقایسه و تحلیل کنند. این ساختار منسجم و گام‌به‌گام، به دانشجویان کمک می‌کند تا از مفاهیم پایه تا تحلیل‌های پیشرفته، به صورت نظام‌مند با حقوق اساسی تطبیقی آشنا شوند و توانایی مقایسه نظام‌های حقوقی مختلف را به دست آورند.

امید است این اثر بتواند به عنوان مرجعی ارزشمند در حوزه‌های آموزش و پژوهش حقوق اساسی تطبیقی، مورد استفاده قرار گیرد و گامی بلند در راستای ارتقا کیفیت آموزش حقوق عمومی در جمهوری اسلامی ایران بردارد. ضمن قدردانی از عزیزانی که ما را در مسیر نگارش و چاپ این اثر یاری دادند، از خوانندگان ارجمند این اثر خواهشمندیم ما را از دقت نظر خویش محروم نفرموده و نقایص احتمالی این اثر را متذکر شوند.

و آخر دعوانا ان الحمدالله رب العالمین

پژوهشکده شورای نگهبان

تابستان ۱۴۰۴